

عطش زیر چتر باران

امیر اکبرزاده

عطش زیر چتر باران

(مجموعه غزل عاشورایی)

امیر اکبرزاده



نشر چتری

ناشر: انتشارات جمهوری

گرافیک: اکبرزاده

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۲۰-۰۲۰-۰

نوبت چاپ: دوم (اول ناشر) / ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی:

خیابان انقلاب، خ. فخر رازی، خ. شهدای زاندارمری غربی، پلاک ۸۸ تلفن: ۶۶۴۸۵۱۱۲-۶۶۴۱۰۸۱۴

فروشگاه: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰ تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

فروشگاه ۲: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۴۸۵ تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

سرشناسه: اکبرزاده، امیر. ۱۳۵۹ - عنوان و نام پدیدآور: عطش زیر چتر باران: مجموعه غزل عاشورایی / نویسنده: امیر اکبرزاده؛ با مقدمه محمدرضا سنگری / مشخصات نشر: تهران: نشر جمهوری، ۱۳۹۳ / مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص: ۱۴ / ۳۰۵ / ۵ س / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۲۰-۰۲۰-۰ / وضعیت فهرست نویسی: هیوا / موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ / موضوع: شعر منظمی فارسی -- قرن ۱۴ / موضوع: عاشورا در ادبیات / شناسه ورود: سنگری، محمدرضا، ۱۳۲۲، .، مقدمه نویس: اردشیر کنگره / ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۲۰-۰۲۰-۰ / PIR۷۱۵۳ / ۵۱۵۵۴۲۳۱۳۹۳ / ۵۱۵۵۴۲۳۱۳۹۳ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۲.۷۸۷

نشانی نامه:

﴿حضرت سید الشهدا﴾

- در مرور همیشه‌ی اعصار هیچ روزی شبیه روز تو نیست ■ ۱۸
شش سمت، شش جهت، همه سونام نامی‌ات ■ ۲۰
آشفته شده زلف پریشان تو در باد ■ ۲۲
آتش گرفته حنجره‌ی آب، آب نیست ■ ۲۴
تورا که چشمانت خلق را جواب شدند ■ ۲۶
دیدند تا لبالبی ساغر تو را ■ ۲۸
در گوش باد زمزمه‌ات پیچید، جریان گرفت نام تو در «هستی» ■ ۳۰
حج‌ات قبول... نوبت قربانی تو شد ■ ۳۲
باد زد موی پریشان تو را ریخت به هم ■ ۳۴
نخلی که قامت‌اش شده بی سربلندتر ■ ۳۶
از بس که گریه شدم در هوای تو ■ ۳۸
چنگ در گیسوی نسیم زدی زلف نیزارها پریشان شد ■ ۴۰
تا تاک‌ها ز راز غم‌ات باخبر شدند ■ ۴۲
به موج خیز بلا تا «سفینه» ات افتاد ■ ۴۴
من از زبان باد شنیدم که تشنه‌ای ■ ۴۶
ای خون جریان یافته در جان جریان‌ها ■ ۴۸
یا لحظه‌ای نباید شد یار با سرتو ■ ۵۰
دست در دست نگینی به عقیقی لب‌اش ■ ۵۲
تیغ بلند کوه که به گردن‌اش رسید ■ ۵۴

- دو چشم اشک در آهی مذاب غوطه‌ورند ❧ ۵۶
 خورشید سر گذاشته بر پای آفتاب ❧ ۵۸
 در برت مرگ چه پنداشته با خود به غلط؟ ❧ ۶۰
 سری تکان دادی ترس شانه‌هایت ریخت ❧ ۶۲
 حضرت عباس علیه السلام
 رطب کلام و شکر خنده و عقیق لبی ❧ ۶۴
 رسیده‌اند به شق القمر - به این اعجاز - ❧ ۶۶
 می‌رود تُند مبادا که به تأخیر رسد ❧ ۶۸
 مانده هر چند تنات ای سر آزاده زمین ❧ ۷۰
 به گوش می‌رسد از دور دست زمزمه‌ی تیر ❧ ۷۲
 دنبال توست رود خروشان به التماس ❧ ۷۴
 نه فقط دست تو از شانه گسستند به تیغ ❧ ۷۶
 شده‌ست خیره در آینه‌ی تَرش ساقی ❧ ۷۸
 ماجرا در گیرودار خاتمه آغاز شد ❧ ۸۰
 از جان زره به روی زره باز بسته است ❧ ۸۲
 هر جا گره افتاد به کار دل بی‌تاب ❧ ۸۴
 در آب عکس روی تو افتاده‌ست، حالا برادرم چه بنوشم آب؟ ❧ ۸۶
 چشمان تشنه هر چه تو را قد کشیده‌اند ❧ ۸۸
 به دل آب زدی... آب چه حالی دارد؟ ❧ ۹۰
 دنبال رد پای که می‌گردد بر خاک‌های تب زده‌ی صحرا؟ ❧ ۹۲

- قدی بکش که درختان کشیده برخیزند ■ ۹۴
- از بین برکه ها او دریا خطاب شد ■ ۹۶
- ✽ حضرت زینب (ع) ✽
- ماه را نیزه اگرچه که در این شب افراشت ■ ۹۸
- در پرده ی حقایق و او هام مانده ای ■ ۱۰۰
- رساند تا که به دستات ز عشق نامه، نسیم ■ ۱۰۲
- همراه کاروانی و همراه نیستی ■ ۱۰۴
- شنید ناله ای اما سکوت کرد و گریست ■ ۱۰۶
- ناآشنای داغ دلم پیش تر نبود ■ ۱۰۸
- دهان باز خبر دور می شود از من ■ ۱۱۰
- برخیز، تا زمین و زمان سجده ات کنند ■ ۱۱۲
- ✽ حضرت علی اکبر (ع) ✽
- گلایه های دل ات را که گرم ابرازند ■ ۱۱۴
- اذن از پدر گرفته ای، اکنون پسر! برو ■ ۱۱۶
- گرچه هر لحظه تماشای تو شادم کرده است ■ ۱۱۸
- ✽ حضرت علی اصغر (ع) ✽
- چشم بر هم بگذاری خبرت خواهد کرد ■ ۱۲۰
- گرچه بدون آب، ولی میوه ات رسید ■ ۱۲۲
- یک گام رو به پیش و یکی رو به پس رَوَد ■ ۱۲۴
- ای که از خواب دو تا چشم ترت آکنده ست ■ ۱۲۶

ادیگر صدای گریه نمی آید، پرگشته دشت لب به لب از خنده ■ ۱۲۸

❁ حضرت رقیه (ع.ا)

سلام ماه! تو هم مثل من نخوایدی؟ ■ ۱۳۰

به هر طرف که نگاه اش دوید تنها بود ■ ۱۳۲

در باد می وزد بوی گیسوی سوخته ■ ۱۳۴

با سرت دختر تو راز و نیازی دارد ■ ۱۳۶

نه نان، نه آب، مرا دیدن پدر کافی ست ■ ۱۳۸

از روی نیزه سر بده ای سر خطابه را ■ ۱۴۰

❁ حضرت قاسم (ع.ا)

قد کشیدی چه قدر مرد شدی در سختی ■ ۱۴۲

چشم هر پاک بر آن چهره ی پاک افتاده ست ■ ۱۴۴

او را که فکر مرگ فنایش نمی کند ■ ۱۴۶

❁ اصحاب امام (ع.ا)

تا تو هستی چه نیازی به بهشت ست مرا؟ ■ ۱۴۸

... البته توبه ی تو پذیرفته می شود ■ ۱۵۰

زخم اگر زخم، خوشایک سره کاری بودن ■ ۱۵۲

مسیح [سایه ای از چشم های او در مه] ■ ۱۵۴

سفره ات را جمع کن، مهمان مایی بعد از این ■ ۱۵۶

سیاه چهره ولی روسفیدتر از صبح ■ ۱۵۸